

A Study of the Role of English Language for General, Specific and Academic Purposes

Vol. 12, No. 4, Tome 64
pp. 565-596
October & November 2021

Laila Dobakhti* 

Abstract

The EAP students are not passive recipients who absorb subject-specific materials merely through exposure to the reading skill. The dominant misleading conception surrounding the EAP courses is that exposing learners to specialized texts creates a shortcut which contributes to enhancing their knowledge of the language. However, this article discusses that discipline-specific reading materials are like one-way street which hardly develop the learners' grammatical and communicative competence. EAP learners need more general text types, tasks, activities, and exercises to learn and use the language. In the present study, the data were collected qualitatively through semi-structured interviews, classroom observations, and field notes. The participants consisted of 60 students and 16 language instructors. Data analysis was based on the five curriculum structure proposed by Brown (1995): objectives, needs analysis, teaching, materials, and testing. This study attempts to shed some light on certain controversial issues and the findings can have significant implications for ESP and EAP teachers, graduate students, syllabus designers, material developers, and researchers in the field of ESP.

Keywords: Content-based instruction, Common core hypothesis, English for general purposes, English for specific purposes

Received: 6 February 2021
Received in revised form: 31 March 2021
Accepted: 7 May 2021

* Corresponding author: Associate Professor in English, Faculty of Multimedia,
Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran; *E-mail*: l.dobakhti@tiau.ac.ir
ORCID ID: <http://orcid.org/0000-0001-7609-884X>

1. Introduction

Every year, many students enter Iranian universities and EAP courses are offered to them in the first or second semester. A great amount of money, resources, time, and energy are spent on these courses. However, the results of such programs are less than satisfactory. The present study attempts to shed some light on EAP programs and intends to study the virtues and weaknesses of EGP and ESP courses.

Research Questions

- 1- What are the former and current students' overall perceptions about EGP AND ESP and ESP courses with regard to the curriculum constructs?
- 2- What are the instructors' overall perceptions about EGP AND ESP and ESP courses with regard to the curriculum constructs?

2. Literature Review

2.1. English for General Purposes

On the whole, the EAP courses might be divided into two parts: EGP and ESP. EGP is almost the major trend and the mainstay of any EFL situation, which intends to equip the students with necessary communication skills and strategies to perform effectively at university and fulfill their study purposes. In fact, EGP course helps students study and research through English language.

2.2. Content-Based Instruction

ESP is a form of language rather than an independent language in itself, which is used by specialists in contexts similar or pertinent to EGP. One of the classroom realizations of ESP and its application is the content-based instruction (CBI). CBI is the teaching and learning of language through content in which the stress is on students' subject matter rather than language forms and functions.

2.3. EGP and/or Common Core Hypothesis

EGP is not limited to a particular discipline. Basturkmen (2006) holds that ESP is not independent in itself and makes use of every part of EGP at any time. The most prominent issue in any EGP course is the common core hypothesis put forward by Bloor and Bloor (1986). This hypothesis asserts that there is a common core of grammar and vocabulary in any discipline. Therefore, EAP should concentrate on presenting and practicing common features rather than specific subject matter.

2.4. English for Academic Purposes

In most parts of the world, EAP teachers are seen as an increasing source of income to attract international students (Hadley, 2015). However, they often lack the required knowledge in a specific field (Brinton & Holten, 2001). An important point to consider is that “ESP learners expect materials that teach them about their real world objectives, otherwise they can easily get demotivated” (Marcu, 2020, p. 309). Unfortunately, in Iran, there is no coherent plan to implement teaching methods for educational purposes and English courses are either taught by language or field teacher, without any communication or agreement between them (Atai & Nejadghanbar, 2017).

3. Methodology

The data were collected qualitatively through semistructured interviews, classroom observations, and field notes. The participants consisted of 60 male and female BA students who were taking or had passed EGP AND ESP course at the University of Tabriz, at the time of data collection. There were also 16 male and female language instructors who were full-time or part-time staff of the Department of English Language and Literature, and held master’s or PhD degrees.

4. Results

The results were discussed under five curriculum constructs put forward by Brown (1995): Objectives, needs analysis, teaching, materials, and testing. According to the students' and instructors' perceptions and classroom observations, EGP AND ESP course cannot achieve its intended purposes and the reason that some of the students do not like this course is that they passively receive materials in the classroom. During the interview, most of the instructors believed that because of the shortage of class time they could not dedicate equal and adequate time for each activity and exercise. The findings also affirmed that students who attend private language institutes participate eagerly and positively in classroom activities. However, those who are weak only sit and listen. More importantly, it was found that since needs analysis has never been carried out at the University of Tabriz, some of the grammatical points and exercises do not correspond to the students' needs.



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۲، ش ۶ (پیاپی ۶۴) مهر و آبان ۱۴۰۰، صص ۵۶۵-۵۹۶

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23223081.1400.12.4.20.2

واکاوای نقش زبان انگلیسی برای اهداف عمومی، تخصصی و تحصیلی

لیلا دوبختی*

دانشیار زبان انگلیسی، دانشکده چندرسانه‌ای، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

چکیده

دانشجویان مطالب تخصصی رشته خود را صرفاً از طریق خواندن نمی‌آموزند. تصویری گمراه‌کننده دوره‌های انگلیسی برای اهداف تحصیلی را احاطه کرده است که بیان می‌کند ارائه متون تخصصی به زبان-آموزان باعث افزایش دانش زبانی آن‌ها می‌شود. مطالب تخصصی مانند خیابان یک‌طرفه هستند که به‌ندرت مهارت دستوری و ارتباطی زبان‌آموزان را بهبود می‌بخشند. زبان‌آموزان انگلیسی برای اهداف تحصیلی برای یادگیری زبان و کسب توانایی در استفاده از آن، نیاز به انواع متون، تکالیف، فعالیت‌ها و تمرینات عمومی دارند. مقاله حاضر به این موضوع می‌پردازد که دانشجویان انگلیسی برای اهداف تحصیلی توانایی تسلط بر زبان را از طریق مطالب هسته مشترک و یکپارچگی چهار مهارت زبانی کسب می‌کنند. داده‌های این تحقیق از طریق رویکرد کیفی و با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مشاهده کلاس و یادداشت‌های میدانی جمع‌آوری شدند. شرکت‌کنندگان شامل ۶۰ دانشجو و ۱۶ مدرس زبان بودند. تحلیل نتایج بر پایه پنج ساختار برنامه درسی ارائه شده توسط براون (1995, p. 20): اهداف، تحلیل نیازها، تدریس، مطالب درسی و آزمون انجام گرفت. در این مقاله سعی بر این بود که نگاه تازه‌ای به جایگاه انگلیسی برای اهداف عمومی، هدف و برنامه انگلیسی برای اهداف تحصیلی و تخصصی یا آموزش براساس محتوا، فرضیه هسته مشترک، تحلیل نیازها، دانشجویان، مدرسان، مطالب، فعالیت‌ها و آموزش انگلیسی برای اهداف تحصیلی داشته باشیم. این مقاله همچنین کاربردهای قابل‌تأملی برای مدرسان انگلیسی برای اهداف تخصصی و تحصیلی، فارغ‌التحصیلان، طراحان برنامه‌های درسی، نویسندگان مطالب درسی و محققان در زمینه انگلیسی برای اهداف تخصصی دارد.

واژه‌های کلیدی: تعلیم براساس محتوا، فرضیه هسته مشترک، انگلیسی برای اهداف عمومی، انگلیسی برای اهداف تخصصی.

E-mail: l.dobakhti@tiau.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

هر سال دانشجویان زیادی وارد دانشگاه‌های ایرانی می‌شوند و معمولاً دوره‌های درسی انگلیسی برای اهداف تحصیلی در ترم‌های اول یا دوم به آن‌ها ارائه می‌شود. تعداد رو به افزایشی از دانشگاه‌ها برنامه‌های انگلیسی برای اهداف تحصیلی^۱ را برای حمایت از دانشجویان با فرهنگ و زبان مختلف ارائه می‌دهد که برای موفقیت این دانشجویان ضروری است (Huang, 2018). هرچند، به دلیل کمبود کادر در بخش‌های زبان، شرایط کاری برای مدرسان انگلیسی برای اهداف تحصیلی چالش‌برانگیز است؛ آن‌ها باید به تعداد زیادی دانشجو آموزش بدهند و ساعات‌های زیادی را کار کنند (Aghagolzadeh & Davari, 2017). در حالت کلی، هزینه، منابع، زمان و انرژی زیادی صرف دوره‌های انگلیسی برای اهداف تحصیلی می‌شود. اما خروجی چنین برنامه‌هایی چندان رضایت‌بخش نیستند. تحقیق حاضر سعی دارد نگاهی تازه به برنامه‌های انگلیسی برای اهداف تحصیلی داشته باشد و ضعف‌ها و مزیت‌های آن را مورد مطالعه قرار دهد. آموزش زبان انگلیسی^۲ را می‌توان به دو بخش گسترده تقسیم کرد: انگلیسی برای اهداف تحصیلی و شغلی^۳. انگلیسی برای اهداف تحصیلی به دو بخش انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی تقسیم می‌شود. هر کدام از این قسمت‌ها زیربخش‌های منحصربه‌خود را دارند. در این مطالعه ما تنها برنامه‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و انگلیسی برای اهداف تخصصی را بررسی می‌کنیم.

۲. انگلیسی برای اهداف عمومی

دوره‌های درسی انگلیسی برای اهداف تحصیلی به دو بخش تقسیم می‌شوند: انگلیسی برای اهداف عمومی و انگلیسی برای اهداف تخصصی. دوره درسی انگلیسی برای اهداف عمومی، تقریباً مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین واحد در دانشگاه است و نقطه ارتقای هر گونه موقعیت انگلیسی به‌منزله زبان خارجی^۴ (EFL) محسوب می‌شود. این واحد درسی سعی دارد دانشجویان را به شگردها و مهارت‌های ارتباطی ضروری مجهز سازد تا بتوانند عملکرد مؤثری در دانشگاه داشته و به اهداف تحصیلی‌شان جامعه عمل بپوشانند. هایلند^۵ (2006) سه رویکرد گسترده انگلیسی برای اهداف تحصیلی را مطرح می‌کند: رویکرد مهارت‌ها، اجتماعی شدن و تحصیل. به دلیل اهمیت دوره‌های درسی انگلیسی برای اهداف عمومی، هاچینسون و واترز^۶ (1987) با

تأکید بر اینکه فرایند یادگیری از مطالب و متون تخصصی مهمتر هستند، طرفدار رویکرد انگلیسی عمومی هستند.

۳. آموزش محتوامحور^۷

درواقع انگلیسی برای اهداف تخصصی^۸ شکلی از زبان محسوب می‌شود تا اینکه خود یک زبان مستقل باشد. طبق گفته آنتونی^۹ (2015, p.2)، ESP یک رویکرد آموزش زبان است که با نیازهای تحصیلی و شغلی کنونی و آینده زبان‌آموزان سروکار داشته و روی زبان، مهارت‌ها، گفتمان و سبک‌های گفتاری موردنیاز تمرکز دارد. انگلیسی برای اهداف تخصصی یک حوزه چندرشته‌ای است که به دو نوع دانش نیاز دارد: دانش زبانی و دانش رشته (Chen, 2011). یکی از نمدهای کلاسی این رویکرد و کاربرد آن، آموزش محتوامحور است که تأکید آن به جای فرم‌های زبانی بر روی محتوای رشته تحصیلی دانشجویان است. آموزش محتوامحور در موقعیت انگلیسی به‌منزله زبان دوم^{۱۰} نیز مفید است. اما در بافت‌ها و موقعیت‌های انگلیسی به‌منزله زبان خارجی، زبان‌آموزان به دستور زبان و لغات، یعنی دانش انگلیسی عمومی بیشتری نیاز دارند. در آموزش محتوامحور، بیشتر وقت کلاس صرف محتوا می‌شود تا یادگیری زبان. این بدین معناست که آن‌ها به جای یادگیری کارکردها، نقش‌ها، عملکردها و فرم‌های زبان، موضوعات رشته مربوطه خودشان را فرامی‌گیرند.

۴. هسته مشترک^{۱۱}

انگلیسی برای اهداف عمومی محدود به یک رشته تحصیلی خاص نمی‌شود. درواقع هدف انگلیسی برای اهداف عمومی این است که بخش‌های مختلف زبان، مهارت‌های خواندن، نوشتن، شنیدن، صحبت کردن و مهارت‌های عملکردی زبان را آموزش دهد و دانشجویان را آماده کند تا از عهده دوره‌های درسی انگلیسی برای اهداف تخصصی خود برآیند. باسترکمن^{۱۲} (2006) بر این باور است که انگلیسی برای اهداف تخصصی، خود به تنهایی مستقل نیست و از هر بخش و قسمت انگلیسی برای اهداف عمومی در هر زمانی استفاده می‌کند. مسئله مهم در هر دوره درسی انگلیسی برای اهداف عمومی، فرضیه هسته مشترک می‌باشد که توسط بلور و بلور^{۱۳} (1986) ارائه شده است. این فرضیه تأکید دارد که هسته

مشترکی از دستور زبان و لغات در هر رشته تحصیلی وجود دارد. عمدتاً باور بر این است که متون علمی ساختار معانی بیان منحصر به فرد خود را دارند (Wood, 2001). جالب است بدانیم کلمات تخصصی تنها مقدار محدودی از یک متن تخصصی را شامل می‌شوند. کلمات تخصصی تا حدودی در سطح بین‌المللی شناخته شده هستند و زبان‌آموزان می‌توانند کلمات ناآشنا را از طریق بافت یا دانش قبلی خود بفهمند. بنابراین، هاجینسون و واترز (1987, p. 166) معتقد هستند که توجه کمی برای رویکرد موضوع‌محور در انگلیسی برای اهداف تخصصی وجود دارد.

۵. بررسی نیازهای آموزشی

عوامل گوناگونی در طراحی دوره درسی انگلیسی برای اهداف تحصیلی دخالت دارند. اساساً یک دوره درسی بهتر است براساس نیازهای دانشجویان، اهداف دوره درسی و اهداف موسسه آموزشی مورد نظر طراحی شود (Richards, 2007). بنابراین تحلیل نیازها یکی از مهم‌ترین عوامل برنامه آموزشی انگلیسی برای اهداف تحصیلی است. باربازت^{۱۴} (2006) بر آگاهی از این نیازها تأکید می‌کند و معتقد است به جای اینکه بخواهیم محتوای دوره‌های درسی را تعیین کنیم، باید مشخص سازیم چرا دانشجویان می‌خواهند زبان را یاد بگیرند. مشکلی که در حالت کلی در کلاس‌های انگلیسی برای اهداف تحصیلی شایع است، انتظارات نادرست زبان‌آموزان در مورد ضرورت ارتباط مطالب با حوزه درسی خودشان است. بنابراین بعضی از زبان‌آموزان بر این باورند که آنچه مورد نیاز آنهاست، فقط تمرکز بر مطالب دروس اختصاصی خودشان است. فلاوردیو و پیکاک^{۱۵} (2001) بر این باورند که زبان‌آموزان باید در طراحی برنامه‌های آموزش انگلیسی برای اهداف تحصیلی دخالت داده شوند تا با اهداف برنامه‌های آموزشی آشنا شوند.

۶. انگلیسی برای اهداف تحصیلی

در بیشتر نقاط جهان، مدرسان انگلیسی برای اهداف تحصیلی عمدتاً به‌منزله منبع فزاینده درآمد برای جذب دانشجویان بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرند (Hadley, 2015). عطایی و نژادقنبر (2017) بر این باورند که مدرسان انگلیسی برای اهداف تحصیلی با محتوایی فراتر از حیطه

تخصصی خود سروکار دارند. بنابراین مشکل این است که مدرسان زبان انگلیسی در حیطه آموزش محتوامحور عمدتاً فاقد آموزش و پیش‌زمینه لازم در یک رشته تخصصی خاص هستند (Brinton & Holten, 2001). هنگامی که مدرسان با پیش‌زمینه انگلیسی عمومی وارد انگلیسی برای اهداف تخصصی می‌شوند، با مشکلاتی در زمینه‌های مختلف از جمله: دیدگاه‌ها، مفاهیم، مطالب درسی، شیوه‌های تدریس، تخصص در زمینه انگلیسی برای اهداف تخصصی و دانش رشته مربوطه مواجه می‌شوند (Du, 2019). با این حال، فرهادی (2005) تأکید دارد که مدرسان زبان انگلیسی برای اهداف تخصصی، مستلزم دانستن مباحث درسی تخصصی نیستند. اما بریتون و همکاران^{۱۱} (2003) بر این باورند که مدرسان زبان باید بر مطالب درسی تخصصی اشراف داشته باشند تا بتوانند از آن‌ها به صورت مؤثر در کلاس استفاده کنند.

در ایران طرحی منسجم برای پیاده‌سازی روش‌های تدریس در واحدهای انگلیسی برای اهداف تحصیلی وجود ندارد و واحدها یا توسط مدرس زبان یا رشته و بدون هیچ ارتباط یا توافقی بین آن‌ها انجام می‌گیرد (Atai & Nejadghanbar, 2017). هایلند و شاو^{۱۲} (2016) بر این عقیده‌اند که دانشجویانی که در کلاس‌های انگلیسی برای اهداف تحصیلی شرکت می‌کنند، دانش محتوایی خوبی دارند و بهتر است مدرسان مسئولیت محتوا را به عهده آن‌ها بگذارند.

۷. متون برای اهداف تحصیلی

بحث اساسی در انگلیسی برای اهداف تحصیلی، با انتخاب و استفاده از مطالب واقعی، غیرواقعی، کلی، تخصصی و ساده‌شده آغاز می‌شود. مطالب درسی باید زبان واقعی را در طیف وسیع نشان دهند، مکمل یادگیری، انگیزه‌دهنده و محرک باشند (Marcu, 2020). در حالت کلی، موضوع قابل‌تأمل در تدریس زبان انگلیسی برای اهداف تحصیلی، استفاده از متن‌های اصلی یا غیراصلی و واقعی یا غیرواقعی است. هرچند، موضوع مهم انتخاب صحیح و چگونگی استفاده از این مطالب در موقعیت‌های متنوع از طریق تمرین‌های معنی‌دار است. زبان‌آموزان کلاس‌های انگلیسی برای اهداف تخصصی انتظار دارند که مطالبی که برایشان ارائه می‌شود اهداف زندگی واقعی را نشان دهد، در غیر این صورت دلسرد می‌شوند (Marcu, 2020). بنابراین در حالت کلی، نکته حائز اهمیت میزان تناسب اهداف و به کارگیری آن‌هاست.

۸. فعالیتهای آموزشی و یادگیری در انگلیسی برای اهداف تحصیلی

فعالیت‌های کلاسی مؤثر می‌توانند باعث ایجاد انگیزه و سرعت بخشیدن به فرایند یادگیری شوند. مدرسان بهتر است با ارائه فعالیت‌های معنی‌دار، دانشجویان را در فرایند یادگیری شرکت دهند. لانگ^{۱۸} (2001) بر این باور است که هیچ روش تدریس ایدئالی وجود ندارد. در این رابطه، ریچاردز^{۱۹} (2007) اشاره می‌کند که روش‌های تدریس انگلیسی برای اهداف تخصصی باید براساس اهداف یادگیری زبان توسط دانشجویان برنامه‌ریزی شوند و ساختار این فعالیت‌ها ملموس باشد.

عمده‌ترین دلیل آموزش دوره‌های درسی انگلیسی برای اهداف تخصصی و تحصیلی، آموزش خواندن و ترجمه است (Malmir & Bagheri, 2019; Atai & Shoja, 2011; as cited in Moghadam, Meihami & Giasvand, 2018). همان‌طور که عطایی و نژادقنبر (2017) اظهار می‌دارند، در این کلاس‌ها دانشجویان اغلب متن‌ها را می‌خوانند و آن‌ها را تحت‌اللفظی به فارسی ترجمه می‌کنند و مدرسان هم غلط‌های لغوی و دستوری آن‌ها را تصحیح می‌کنند. بنابراین مدرسان زبان انگلیسی برای اهداف تحصیلی بهتر است بیشتر نقش راهنما و مشاور را در کلاس داشته باشند تا مترجم مطالب تخصصی. متأسفانه در بیشتر دانشگاه‌های ایران در کلاس‌های دروس زبان تخصصی، مدرسان فقط متون از پیش تعیین شده را ترجمه و تفسیر می‌کنند. بدین صورت آن‌ها تبدیل به مترجم متون تخصصی می‌شوند. ترجمه باعث می‌شود وقت کلاس صرف محتوا شود. در صورتی که می‌دانیم هدف باید تمرین و استفاده از مهارت‌های زبانی باشد. پس باید دروس زبان تخصصی توسط استادان زبان انگلیسی تدریس شوند و از استادان رشته‌ی مربوطه استفاده نشود.

مطالعه حاضر بر آن است که برای سؤالات تحقیق زیر پاسخ مناسبی ارائه دهد:

- ۱) درک کلی دانشجویان سابق و کنونی از درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی^{۲۰} و درس انگلیسی برای اهداف تخصصی در رابطه با ساختارهای برنامه‌ی درسی چیست؟
- ۲) درک کلی مدرسان از درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی و درس انگلیسی برای اهداف تخصصی در رابطه با ساختارهای برنامه‌ی درسی چیست؟

۹. روش‌شناسی تحقیق

به دلیل فواید رویکرد کیفی، در این مطالعه از این رویکرد استفاده شد. از این رو، محقق با استفاده از این روش به راحتی توانست به داده‌های کافی دست پیدا کند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مشاهده کلاس و یادداشت‌های میدانی جمع‌آوری شدند.

۱۰. شرکت‌کنندگان تحقیق

شرکت‌کنندگان شامل ۶۰ دانشجوی دوره کارشناسی بودند. دانشجویان کنونی درس انگلیسی برای اهداف عمومی (۱۵ نفر) و تخصصی (۱۵ نفر)، دانشجویان مرد و زن دوره کارشناسی بودند که واحد درسی انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی را انتخاب کرده و در زمان جمع‌آوری داده، در دانشگاه تبریز مشغول به تحصیل بودند. دانشجویان سابق درس انگلیسی برای اهداف عمومی (۱۵ نفر) و تخصصی (۱۵ نفر)، در زمان جمع‌آوری داده، دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی را گذرانده بودند. شرکت‌کنندگان دیگر این تحقیق، مدرسان زبان (۱۶ نفر) شامل ۱۰ مدرس مرد و ۶ مدرس زن با مدرک کارشناسی ارشد (۴ نفر) و دکتری (۱۲ نفر) بودند که به صورت تمام‌وقت (۳ نفر) و پاره‌وقت (۱۳ نفر) در بخش زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به کار بودند.

۱۱. نتایج و یافته‌های تحقیق

این بخش، تحلیلی از داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه، مشاهده کلاس و یادداشت‌های میدانی را ارائه می‌دهد. تحلیل داده‌ها به صورت تفسیری و تشریحی صورت گرفت. به منظور ارائه تصویر واضحی از داده‌ها، محقق یافته‌ها را از طریق پنج ساختار برنامه درسی شامل: اهداف، تحلیل نیازها^{۲۱}، تدریس، مطالب درسی و آزمون، که توسط براون^{۲۲} (۱۹۹۵) مطرح شده است، ارائه داده و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

۱-۱۱. اهداف

تا جایی که محقق حاضر در جریان است، هیچ سند دقیقی در مورد اهداف دوره انگلیسی برای

اهداف عمومی و تخصصی وجود ندارد. تنها سند موجود، برنامه‌درسی یک صفحه‌ای بود که وزارت آموزش و پرورش حدود سی سال پیش به دانشگاه‌های ایران فرستاده بود. متأسفانه اهداف این دوره در آن سند قید نشده بود. تنها توصیه‌ی موجود در آن سند این بود که تمامی رشته‌ها در ایران از کتاب درسی «Reading through reading» که سی سال پیش توسط انتشارات سمت منتشر شده بود، استفاده کنند.

در هنگام مصاحبه، بیشتر مدرسان زبان از عدم وجود اهداف برای این دوره ابراز نارضایتی کردند. نتایج مشاهدات کلاسی نشان می‌دهد که اکثر مدرسان به دلیل زمان کم و سطح پایین مهارت زبان دانشجویان در استفاده‌ی تعاملی از زبان، بیشتر وقت کلاسی خود را به خواندن اختصاص می‌دهند. همچنین بیش از نیمی از دانشجویان کنونی و سابق بر این باورند که گرایش اصلی دوره‌ی انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی در زمینه‌ی مهارت‌ها و استراتژی‌های خواندن است و دلیل آن این است که تأکید مدرسان در طول دوره اغلب روی خواندن است. در مصاحبه‌ی زیر، مدرس زبان شماره ۲ نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند:

خب، درست است که دانشجویان ما برای اینکه بتوانند کتاب‌ها و مقالات تخصصی انگلیسی بخوانند، نیاز به تقویت مهارت‌ها و استراتژی‌های خواندن دارند. به نظر من، در اولویت قرار دادن مهارت خواندن به قیمت نادیده گرفتن مهارت‌های دیگر، انگیزه‌ی دانشجویان را از بین می‌برد. دانشجویان ما می‌خواهند به زبان انگلیسی با یکدیگر تعامل داشته باشند. تعامل در زبان انگلیسی از اهداف ملموسی است که دانشجویان ما قطعاً می‌خواهند به آن دست پیدا کنند.

در طول مصاحبه‌ها، بیشتر دانشجویان و مدرسان بیان می‌کنند که هدف از برگزاری این دوره باید کمک به دانشجویان برای مطالعه و تحقیق به زبان انگلیسی و دستیابی به اهداف آموزشی باشد. این دوره باید دانشجویان را قادر سازد تا به‌طور مؤثر به زبان انگلیسی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. هرچند طبق نتایج به‌دست آمده، بیشتر دانشجویان کنونی و سابق، دوره‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی را برای دریافت مدرک دانشگاهی می‌گذرانند. نکته‌ی حیرت‌آور این است که برخی از مدرسان زبان نمی‌دانند که چرا دانشجویانشان این دوره‌ها را می‌گذرانند. برای واضح‌تر نشان دادن این موضوع، دانشجوی سابق شماره ۹ هدف دانشجویان از خواندن این درس را به صورت زیر شرح می‌دهد:

بیشتر دانشجویان برای گرفتن نمره قبولی در دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی شرکت می‌کنند. هدف آن‌ها از مطالعه آن، تأمین نیازهای دوره‌شان است. اولویت دوم آن‌ها این است که بتوانند در کنکور کارشناسی ارشد موفق شوند.

طبق نتایج این پژوهش، هدف‌ها نقش بسزایی در تعیین سرنوشت و مسیر دوره تحصیلی ایفا می‌کنند. این اهداف هستند که تعیین می‌کنند به مهارت‌های زبانی و زیرمجموعه‌های آن‌ها یا مهارت‌های ارتباطی پرداخته شود یا خیر. با وجود این، نه دانشجویان و نه مدرسان به اهداف دوره‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی دسترسی ندارند. مدرس زبان شماره ۸ این‌گونه بیان می‌کند:

من در مورد اهداف دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی مطمئن نیستم. از من تنها خواسته شده که آن را تدریس کنم. آن را خوب توضیح نداده‌اند. ما آزاد هستیم کتاب درسی را خودمان انتخاب کنیم و هر طور که دوست داریم تدریس کنیم. اگر اهداف درس را به من می‌گفتند، می‌دانستم چه چیزی تدریس کنم و چه فعالیت‌هایی را در کلاس انجام دهم. همچنین دلیل این‌که هیچ نظری در مورد اهداف ندارم این است که تعاملی بین مدرسان و گروه آموزشی زبان وجود ندارد. گروه هیچ‌گاه از ما نمی‌خواهد که نظرات خود را با آن‌ها در میان بگذاریم یا مطالب درسی خاصی را پیشنهاد دهیم.

بدیهی است که دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی، اهداف متنوعی را دربردارد. مهم‌تر این‌که تمام ذینفعان قصد دارند تا اهداف خود را به طریقی تحقق بخشند. اگرچه بین اهداف مختلف باید سازگاری وجود داشته باشد، تنها نیمی از دانشجویان بر این باورند که این دوره با اهداف آن‌ها مطابقت دارد. در مصاحبه زیر، مدرس زبان شماره ۶ در این باره اظهار می‌دارد:

خب، تجربه من نشان می‌دهد که هدف اکثر دانشجویان این است که مهارت عمومی خود در انگلیسی را بهبود ببخشند. آن‌ها به ویژه می‌خواهند که به‌طور مؤثر به انگلیسی تعامل داشته باشند. دانشجویان تمایل دارند که به دو شیوه نوشتاری و گفتاری به انگلیسی منظور خود را بیان کنند.

می‌توان فهمید که تنها نیمی از دانشجویان کنونی، دانشجویان سابق و مدرسان بر این باورند که دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی می‌تواند به اهداف خود دست پیدا

کند. تقریباً نصف دیگر دانشجویان و مدرسان با این قضیه مخالفاند و مطمئن نیستند که این دوره بتواند به اهداف خود دست یابد. در نقل قول زیر، دانشجوی سابق شماره ۲۶ نارضایتی خود را از این درس این گونه بیان می‌کند:

دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی اهداف مرا برآورده نکرد. این آن چیزی نبود که از آن انتظار داشتم. در واقع، می‌خواستم استراتژی‌های خواندن و مهارت‌های ارتباطی خود را بهبود ببخشم.

۲-۱۱. تحلیل نیازها

نتایج تحقیق حاکی از آن است که در گذشته، نیازهای مبدأ و مقصد بیشتر دانشجویان، خواندن و ترجمه بود. با وجود این، با گسترش و جهانی‌سازی زبان انگلیسی، نیازهای دانشجویان نیز تغییر یافته است. آن‌ها به همان اندازه که می‌خواهند بخوانند و بنویسند، می‌خواهند گوش بدهند و صحبت کنند. محدود کردن دانشجویان به خواندن در کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی آن‌ها را به زبان‌آموزانی ضعیف تبدیل می‌کند که نمی‌توانند با زبان انگلیسی ارتباط برقرار کنند و نظرات خود را به اشتراک بگذارند.

نتایج نشان می‌دهد که هر رشته‌ای نیازهای خاص خود را دارد و در نتیجه، مطالب درسی آن‌ها باید براساس آن نیازها تعیین شود. می‌توان فهمید که متدها و مطالب درسی دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی بدون در نظر گرفتن نیازهای دانشجویان به‌منزله نینفعان اصلی برنامه به‌کار گرفته شده است. با وجود این، مدرس زبان شماره ۱ دیدگاه خود را این گونه بیان می‌کند:

به نظر من، یک مدرس موفق می‌تواند به‌صورت شهودی و براساس تجربه تدریس خود، نیازهای دانشجویان را تحلیل کند.

۳-۱۱. تدریس

۱-۳-۱۱. نگرش‌ها

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که نگرش‌های دانشجویان تعیین می‌کند که آن‌ها تمایل دارند در فعالیت‌های کلاسی شرکت کنند یا نه. مطمئناً نگرش‌های مثبت و انگیزه می‌تواند دانشجویان را

به سمت یادگیری مؤثر زبان سوق دهد. هرچند، اگر انگیزه دانشجویان کم باشد یا مخالف این دوره باشند، به سختی به موفقیت دست پیدا می‌کنند. در نقل‌قول زیر، دانشجوی سابق شماره ۱۹ اظهار می‌کند:

در ابتدا من نسبت به درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی نظر مثبتی داشتم. من واقعاً می‌خواستم از طریق آن کلاس، انگلیسی خود را تقویت کنم، اما بعداً فهمیدم که مؤثر نیست. به این دلیل نمی‌خواستم در فعالیت‌ها شرکت کنم. در آخر، بدون هیچ پیشرفتی در انگلیسی، آن واحد را گذراندم.

نتایج مصاحبه با بیشتر مدرسان نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر که آموزشگاه‌های خصوصی زبان در ایران تأسیس شده‌اند، دانشجویان در مورد تأثیر درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی در دانشگاه تردید دارند. بنابراین آن‌ها تلاش می‌کنند در کلاس‌های مؤسسات آموزش زبان شرکت کنند و انگلیسی را یاد بگیرند. نظر مدرسان این بود که درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی در آموزش بزرگسالان در ایران، جایگاه پایینی دارد. دانشجوی کنونی شماره ۳۰ بیان می‌کند:

متأسفانه، درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی سودمند نبوده و به روش سنتی تدریس می‌شود. منظورم این است که ما فقط متن می‌خوانیم و به صورت انفعالی تمرینات را انجام می‌دهیم. حقیقت این است که من بدون اینکه فعالانه یاد بگیرم یا از زبان برای ارتباط استفاده کنم، تنها خود را برای آزمون پایانی آماده می‌کنم.

همان‌طور که نقل‌قول بالا نشان می‌دهد، نگرش‌ها و انگیزه دانشجویان تعیین می‌کند که آن‌ها به این درس علاقه دارند یا خیر. بنابراین، اگر دانشجویان حس مثبتی نسبت به این درس، مدرسان و مطالب درسی داشته باشند، تمام تلاششان را می‌کنند تا آن را یاد بگیرند. در این میان، برخی از دانشجویان فعلی و تقریباً نیمی از دانشجویان سابق با این قضیه که این دوره برای تحصیلات آینده‌شان مفید است، مخالف‌اند. اظهارات دانشجوی کنونی شماره ۳۴ در این مورد این‌گونه است:

در حال حاضر من زبان انگلیسی را به دقت می‌خوانم تا نمره خوب بگیرم. اما نمی‌دانم که این درس نیازهای تحصیلی آینده مرا برآورده خواهد کرد یا نه. همیشه سعی داشتم در مدرسه یا دانشگاه زبان انگلیسی را یاد بگیرم تا نمره قبولی بگیرم. دانشجویان باید اهمیت

زبان انگلیسی را برای شغل آینده خود درک کنند و آن را بهتر یاد بگیرند. یافته‌ها حاکی از آن است که در سال‌های اخیر، اکثر دانشجویان می‌دانند که قبل از شرکت در کلاس‌های تخصصی‌شان، باید تا حدی زبان انگلیسی را یاد بگیرند. در طول مصاحبه، بیش از نیمی از مدرسان تأکید داشتند که زبان انگلیسی را باید از دوران ابتدایی فراگرفت و نباید انتظار داشت که در دانشگاه و در طول یک ترم موفقیت زیادی حاصل شود. دانشجویان باید بتوانند به زبان انگلیسی صحبت کنند و بنویسند، اما مشاهدات نشان می‌دهد در ایران به ندرت این اتفاق می‌افتد. دانشجوی سابق شماره ۲۰ در این باره می‌گوید:

فکر می‌کنم مدرسان باید روش‌های جدید بیشتری را برای تدریس زبان به کار گیرند تا در دانشجویان انگیزه ایجاد کنند. من زبان را تنها با خواندن نمی‌توانم یاد بگیرم. زبان انگلیسی در جامعه ما خیلی اهمیت دارد و در بازار کار، اولویت با افرادی است که به زبان انگلیسی تسلط دارند. فکر نمی‌کنم خیلی با نظر من موافق باشید. اما به نظر من تنها زمانی انگلیسی را یاد می‌گیریم که مجبور باشیم. بدون اجبار نمی‌توانیم انگلیسی را یاد بگیریم. پیدا کردن شغل خوب ما را مجبور می‌کند که انگلیسی را بهتر بیاموزیم.

یافته‌ها نشان می‌دهند انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی یک درس بسیار مهم است و دانشجویان باید از اهمیت آن برای نیازهای شغلی آگاهی داشته باشند. واضح است که دوره سه ساعته انگلیسی برای اهداف عمومی و دوره دو ساعته انگلیسی برای اهداف تخصصی در طول یک ترم نمی‌تواند نیازهای دانشجویان را برآورده سازد. همان‌طور که دانشجوی فعلی شماره ۱۱ در این باره بیان می‌کند، در این کلاس‌ها مدرسان فقط روی کتاب درسی تمرکز می‌کنند:

فکر می‌کنم بهتر است مدرسان، دوره‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی را برای دانشجویان جالب‌تر کنند و روند یادگیری را ارتقا دهند. دلیل اینکه کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی جالب نیستند، این است که مدرس ما تنها بر خواندن مطالب تأکید دارد.

۱۱-۳-۲. زمان

درس انگلیسی برای اهداف عمومی به مدت سه ساعت و درس انگلیسی برای اهداف تخصصی به مدت دو ساعت در هفته در طول یک ترم تدریس می‌شود. هر ترم ۱۶ هفته به

طول می‌انجامد و یک جلسه هم به آزمون پایانی اختصاص داده می‌شود. در نقل قول زیر، مدرس شماره ۱۲ خاطرنشان می‌کند:

تا جایی که می‌دانم، حقیقت این است که یادگیری زبان یک روند مرحله به مرحله و تدریجی است که در بلندمدت اتفاق می‌افتد.

یکی از مؤلفه‌های مهم در یادگیری زبان این است که زمان کافی به آن اختصاص دهند. به‌طور کلی، فراگیری زبان روند پیچیده‌ای است که نیاز به زمان و تمرین زیادی دارد. برای مثال، مدرس شماره ۱۲ بر اهمیت زمان تأکید و بیان می‌کند که برای درونی‌سازی زبان، نیاز به زمان زیادی است:

بی‌شک، مدت زمانی که صرف تمرینات یادگیری زبان می‌شود، یک مؤلفه تعیین‌کننده در روند فراگیری زبان دانشجویان است.

در طول مصاحبه، بیشتر مدرسان بر این عقیده بودند که به دلیل زمان محدود و تعداد زیاد دانشجویان در کلاس‌های انگلیسی و عدم آشنایی دانشجویان با فعالیت‌های ارتباطی، برای برخی از دانشجویان استفاده از فعالیت‌های مختلف ممکن نیست. دانشجوی فعلی شماره ۲۳ خاطرنشان می‌کند:

من می‌خواهم در فعالیت‌های ارتباطی شرکت کنم، اما زمان کلاس خیلی کوتاه و اندازه کلاس‌مان خیلی کوچک است. کلاس ما بیش از ۵۰ دانشجو دارد. مدرس ما به سختی می‌تواند کلاس را کنترل و مدیریت کند.

همان‌طور که دانشجوی فعلی شماره ۲۳ بیان می‌کند، مهم نیست که یک مدرس زبان تا چه اندازه تجربه دارد، برآورده کردن انتظارات گروهی از دانشجویان مختلف و ایجاد توازن یکسان میان چهار مهارت زبانی در کلاس‌های بزرگ با مدت زمان کوتاه، بسیار دشوار است. در طول مدت مشاهده کلاس، محقق متوجه شد که مدرسان مجبورند بعضی از مهارت‌ها و فعالیت‌ها را فدای فعالیت‌های دیگری کنند که نیاز به زمان کم‌تری دارند.

۱۱-۳. دانشجویان و مدرسان

طبق نظرات دانشجویان و مدرسان، در هر کلاس انگلیسی لازم است برای همسان‌سازی کلاس‌ها، در ابتدای ترم، یک آزمون تعیین سطح از دانشجویان گرفته شود. می‌توان فهمید که دانشجویان مختلف، با مهارت زبانی متفاوت، در کلاس‌های یکسان شرکت می‌کنند. به این

منظور، مدرس زبان شماره ۱۳ پیشنهاد می‌دهد:

به نظر من، آزمون تعیین سطح باید در ابتدای ترم از دانشجویان گرفته شود. از این رو می‌توان دانشجویان را در سطح‌های یکسان گروه‌بندی کرد. در آموزشگاه‌های زبان خصوصی، اولین چیزی که انجام می‌شود، گرفتن آزمون تعیین سطح از زبان‌آموزان است. چرا نباید این کار را در مکان مهمی مثل دانشگاه انجام داد؟ بعضی از مدرسان عقیده داشتند که کلاس‌های زبان باید به سه سطح مهارت زبانی تقسیم شوند: سطح ابتدایی، متوسط رو به پایین و متوسط. آن‌ها خاطرنشان می‌کنند که با استفاده از این روش می‌توانند بهتر عمل کنند و نگران این نباشند که دانشجویان ضعیف، ناامید و دانشجویان ممتاز، بی‌حوصله شوند. بین دیدگاه‌های دانشجویان و مدرسان در این مورد اختلاف وجود دارد. مدرس زبان شماره ۹ اظهار می‌کند:

تجربه من در تدریس درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی در دانشکده‌های مختلف نشان می‌دهد که دانشجویان علوم اجتماعی و علوم انسانی در مقایسه با دانشجویان مهندسی و علوم تجربی ضعیف هستند. وقتی با دانشجویان تاریخ، جغرافی، حقوق، فلسفه و غیره کلاس دارم، واقعاً خسته می‌شوم. دایره لغات آن‌ها کم است و نمی‌توانند جمله درستی بسازند. مهارت خواندنشان نیز خیلی ضعیف است و خیلی کند یاد می‌گیرند. باوجوداین، دانشجویان مهندسی و علوم تجربی در کلاس‌های آموزش زبان شرکت کرده و انگلیسی‌شان خوب است.

تجربه شخصی خود محقق از تدریس در این دوره‌ها و یافته‌های مشاهدات کلاسی حاکی از این است که گفته‌های مدرس زبان شماره ۹ تا حدی درست است و میان دانشجویان تفاوت وجود دارد. فاکتورهایی وجود دارند که می‌توانند روند یادگیری دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهند. این فاکتورها عبارت‌اند از خصوصیت‌های شخصی، سطح مهارت زبانی، اهداف، تحصیلات قبلی، نیازها، آرزوها، پیشینه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره. با این حال، نظر مدرس شماره ۱۰ این است که باید دانشجویان را مجبور به یادگیری زبان کرد:

احتمالاً تعجب کنید. اما رابطه من با دانشجویانم مثل رابطه فرمانده و سرباز است. من همیشه دانشجویانم را مجبور می‌کنم که تمرینات را انجام دهند. دلیلش را نمی‌دانم. حقیقت این است که این ما مدرسان هستیم. ما دیگر مثل قبل تدریس و تلاش نمی‌کنیم چون واقعاً از پا

درآمده‌ایم.

نتایج مشاهدات کلاسی نشان می‌دهد که در بیشتر کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی دانشگاه تبریز، دانشجویان سطوح مهارت زبانی مختلفی دارند. انجام تمرینات و انواع دیگر فعالیت‌ها در چنین کلاس‌های ناهمگنی واقعاً دشوار است. این نشان می‌دهد که دانشجویان نمی‌توانند فعالیت‌های کلاسی و تمرین‌ها را به‌طور یکسان انجام دهند و آن‌ها را یاد بگیرند. برای مثال، مدرس شماره ۴ بیان می‌کند:

در کلاس‌های انگلیسی، دانشجویان استراتژی‌های مختلفی را به‌کار می‌گیرند و از توانایی‌های متفاوتی برخوردارند. البته آن‌ها پیشینه علمی متفاوتی دارند. منظورم این است که آن‌ها روش‌های یادگیری و رویکردهای مختلفی در فراگیری زبان دارند. باید بتوانیم نیازهای تمامی این دانشجویان را برآورده کنیم.

به‌طور کلی، نتایج مصاحبه نشان می‌دهد که برخی از دانشجویان اهداف مشخصی داشته و انگیزه انجام فعالیت‌های کلاسی را دارند. این دانشجویان اغلب می‌توانند اهداف خود را تعیین کنند و به آسانی به آن‌ها دست یابند. هرچند، بقیه یا انگیزه و هدف خاصی ندارند یا اهدافشان مبهم است. این ثابت می‌کند که بیشتر دانشجویان علاقه‌ای به انجام فعالیت‌های کلاسی ندارند. در نقل‌قول زیر، مدرس زبان شماره ۵ بیان می‌کند:

دانشجویان باید در فعالیت‌های کلاسی شرکت داشته باشند. یعنی مدرسان باید موقعیتی به‌وجود آورند که دانشجویان در کلاس نقش فعالی داشته باشند. دانشجویان نیازها، اهداف و سطح مهارت متفاوتی دارند. می‌خواهم بگویم که رویکرد دانشجویان در یادگیری زبان متفاوت و طبق توانایی‌ها و باورهای خودشان است.

یافته‌های مربوط به مشاهدات کلاسی نشان می‌دهد که بیشتر دانشجویان این درس، پیشینه زبانی لازم و موردانتظار را ندارند. از این‌رو، نظام آموزش زبان در مدارس ایرانی باید به شیوه مؤثری اصلاح شود و با نظام‌های دانشگاهی همسو باشد. مدرس زبان شماره ۳ در این باره خاطر نشان می‌کند:

مشکل این‌جاست که بیشتر دانشجویان هر چیزی را که درباره زبان انگلیسی در دبیرستان یاد گرفته‌اند، فراموش می‌کنند.

در طول مشاهدات کلاسی، محقق دریافت که بعضی از دانشجویان دوست داشتند که به

صورت شفاهی تمرین کنند و در کلاس فعالیت‌های آزاد داشته باشند. با این حال، بیشتر دانشجویان در مهارت‌های کلامی ضعیف بودند و نمی‌توانستند منظور خود را بیان کنند، به همین دلیل مدرسان تمرینات کتبی را ترجیح می‌دادند. این فعالیت‌های متناقض، گاهی اوقات مشکلاتی در کلاس به وجود می‌آوردند. مدرسان گاهی نمی‌دانستند که چگونه بین فعالیت‌های مختلف تعادل برقرار کنند. با این حال، مدرس شماره ۷ دیدگاه متفاوتی ارائه می‌دهد:

واقعیت این است که برخی از دانشجویان از خانواده‌هایی با فقر اقتصادی هستند و والدین آن‌ها نمی‌توانند از آن‌ها حمایت کنند و مجبورند کار کنند، از این رو نمی‌توانند وقت بیشتری را صرف مطالعه کنند.

در دهه‌های اخیر، اکثر دانشجویان اهمیت فراگیری زبان انگلیسی را دریافته‌اند. بنابراین آن‌ها اغلب تلاش می‌کنند که برای یادگیری زبان انگلیسی در آموزشگاه‌های خصوصی زبان شرکت کنند، به طوری که تعداد این مؤسسات در تبریز به طرز چشمگیری افزایش یافته است. خوشبختانه میزان شهریه مؤسسات خصوصی زبان در ایران کم است و دانشجویان به راحتی می‌توانند در این کلاس‌ها شرکت و زبان عمومی خود را تقویت کنند. به این منظور، دانشجوی سابق شماره ۱ شیوه زیر را پیشنهاد می‌دهد:

به دانشجویان پیشنهاد می‌کنم که در مؤسسات خصوصی زبان شرکت کنند، خودآموزی داشته باشند و داستان‌های کوتاه و ساده انگلیسی بخوانند. از این طریق آن‌ها می‌توانند کاستی‌های دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی را جبران کنند.

براساس مشاهدات کلاسی، محقق متوجه شد که دانشجویان فعالی که پیشینه خوبی در زبان انگلیسی دارند نمی‌توانند کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی را تحمل کنند. از آنجایی که دانشجویان ضعیف‌تر بودند و زبان را یاد نمی‌گرفتند، مدرسان باید مطالب درسی را چندین بار تکرار می‌کردند. به همین دلیل، هم دانشجویان قوی و هم مدرسان خسته شده و حوصله‌شان سر می‌رفت و در نتیجه کلاس‌ها کسل‌کننده می‌شدند. در نقل قول زیر، مدرس شماره ۷ در این زمینه بیان می‌کند:

به نظر من مشکل اینجاست که بعضی از دانشجویان مطالبی را که به آن‌ها آموزش داده می‌شود، یاد نمی‌گیرند. این باعث می‌شود که دانشجویان انگلیسی را در کلاس یاد نگیرند و مؤسسات خصوصی زبان را ترجیح دهند.

۳-۱۱. فعالیت‌های کلاسی

در طول مصاحبه، برخی از مدرسان اظهار داشتند که روش‌های تدریسی که در کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی اجرا می‌شود باید براساس رشته دانشجویان باشد. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر مدرسان از ترجمه مطالب به زبان فارسی ناراضی هستند. با این حال، به دلیل مهارت پایین خواندن برخی از دانشجویان، گاهی چاره‌ای جز ترجمه لغات، عبارات یا جملات ناآشنا و دشوار ندارند. دانشجوی فعلی شماره ۱ ناراضیاتی خود را از روش ترجمه این‌گونه ابراز می‌کند:

مدرس ما از ما می‌خواهد که هر هفته یک متن یک صفحه‌ای را در اینترنت جست‌وجو کرده و آن را به فارسی ترجمه کنیم. به نظر من این کار وقت تلف کردن است، زیرا ما با ترجمه چیزی یاد نمی‌گیریم.

نتایج مصاحبه با دانشجویان نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها بر کیفیت یادگیری تأکید می‌کنند تا مقدار مطالبی که در کلاس خوانده می‌شود. مسئله مهم برای بیشتر دانشجویان فراگیری و به کارگیری زبان است نه تعداد صفحاتی که خوانده می‌شود. ضمناً، در تمام کلاس‌هایی که محقق از نزدیک مشاهده کرده است، اصلاح مطالب به ندرت انجام می‌گیرد. به این منظور، دانشجوی فعلی شماره ۳۱ از اینکه هیچ‌گونه رفع اشکالی انجام نمی‌شود، ابراز ناراضیاتی و اظهار می‌کند:

مشکل کلاس ما این است که در بعضی مواقع، در مدت زمان کوتاه، مطالب زیادی را می‌خوانیم. ما آن‌ها را یاد نمی‌گیریم، فقط می‌خوانیم. هیچ رفع اشکالی انجام نمی‌گیرد.

تنها در بعضی از کلاس‌هایی که محقق بر آن‌ها نظارت داشت، فعالیت دوفره انجام می‌گرفت. بیشتر کلاس‌های دانشگاه تبریز مدرس‌محور هستند. وقتی محقق درمورد انجام فعالیت‌های دوفره در کلاس سؤال کرد، مدرس شماره ۵ این‌گونه پاسخ داد:

در این دانشگاه و با این دانشجویان چالش برانگیز و سخت‌گیر، فکر می‌کنم تدریس مدرس‌محور بهترین و تنها گزینه است. منظورم این است که کنترل و مدیریت یک کلاس بزرگ بسیار دشوار است.

نتایج مشاهدات کلاسی نشان می‌دهد که بیشتر تمرین‌ها و فعالیت‌هایی که دانشجویان در کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی انجام می‌دهند به صورت انفعالی است.

برای نمونه، دانشجوی فعلی شماره ۱۶ خاطرنشان می‌کند:

سطح انگلیسی من نسبتاً پایین است، در نتیجه نمی‌توانم در کلاس صحبت کنم و هیچ سؤالی نمی‌توانم بپرسم. در واقع نمی‌توانم در فعالیتهای کلاسی شرکت کنم. با این حال، تجربه محقق در این درس نشان می‌دهد که دانشجویانی که سطح زبانشان پایین است، به یادگیری زبان علاقه‌مندند و دوست دارند فعالیت‌ها را خودشان انجام دهند. در اصل، فعالیتهای مختلف می‌تواند نتایج متفاوتی را برای دانشجویان مختلف به همراه داشته باشد. در نقل‌قول زیر، دانشجوی سابق شماره ۱۴ نظر خود را در این باره این‌گونه بیان می‌کند:

متأسفانه، ما فعالیتهای تولیدی مثل نوشتاری و گفتاری نداشتیم. ما همیشه تمرینات نوشتاری کتابمان را انجام می‌دادیم. فکر می‌کنم دانشجویان باید بتوانند در کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی به زبان انگلیسی صحبت کنند نه فارسی.

نتایج مشاهدات کلاسی نشان می‌دهد که مدرسان باید به کیفیت تدریس خود توجه کنند نه فقط ارائه مطالب. مدرسان باید از سطح زبان دانشجویان آگاهی داشته باشند و در هر مرحله به آن‌ها کمک کنند. برای مثال، نگرش دانشجوی سابق شماره ۶ به این کلاس تا حدودی منفی بوده است و اظهار می‌کند:

مدرس ما بدون در نظر گرفتن نظرات و سطح زبان ما، تنها فصل‌ها را تدریس می‌کرد. او از اینکه ما مطالب را دنبال می‌کردیم یا نه اطمینان حاصل نمی‌کرد. او بدون اینکه یادگیری ما را بررسی کند، فقط سعی می‌کرد مطالب را تدریس کند.

۱۱-۳-۵. مهارت‌های مطالعه

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که دانشجویان غیربومی برای افزایش دانش و عملکردشان باید از مهارت‌های مطالعه آگاهی داشته باشند. مهارت‌های مطالعه می‌تواند دانشجویان را به توانایی‌های لازم مجهز کند تا بتوانند در درس خود عملکرد خوبی داشته باشند. با این حال، وقتی از مدرسان در مورد فقدان مهارت‌های مطالعه در کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی سؤال شد، آن‌ها ادعا کردند که به دلیل کمبود وقت نمی‌توانند شروع به آموزش این مهارت‌ها کنند. تمامی دانشجویان، صرف‌نظر از رشته‌شان، نیاز دارند که برای دستیابی به اهداف خود مهارت‌های لازم برای مطالعه را فراگیرند. مهارت‌های مطالعه به آن‌ها

کمک می‌کند که به اضطراب خود غلبه کنند و اعتماد به نفسشان را در مطالعات خود افزایش دهند.

۶-۳-۱۱. مهارت‌های زبانی

یافته‌های مصاحبه با دانشجویان بیانگر این است که آن‌ها با تمام مهارت‌ها یکسان برخورد می‌کنند. هرچند، برخی از آن‌ها مهارت‌های گفتاری و شفاهی را به دیگر مهارت‌ها ترجیح می‌دهند. با این حال، بعضی از مدرسانی که با آن‌ها مصاحبه شد عقیده داشتند در ایران که انگلیسی به‌منزلهٔ زبان خارجی فراگرفته می‌شود، دانشجویان نیاز چندانی به مهارت‌های گوش دادن و صحبت کردن ندارند و تنها نیازمند یادگیری مهارت خواندن هستند. به این منظور، آن‌ها خاطرنشان کردند که دانشجویان باید مهارت‌ها و استراتژی‌های خواندن را تقویت کنند. مدرس زبان شماره ۷ به این نکته اشاره می‌کند:

گاهی اوقات در بعضی از کلاس‌ها سعی نمی‌کنم که مهارت‌ها و استراتژی‌های خواندن را آموزش دهم. چیزی که باعث می‌شود هرچقدر هم تلاش کنم این کار تأثیری روی دانشجویان نداشته باشد، نداشتن مهارت کافی آن‌هاست.

در این میان، ضعف دانشجویان در مهارت نوشتن را از نظرات دانشجوی سابق شماره ۲۸ در بخش پاسخ باز پرسش‌نامه درمی‌یابیم:

حقیقت این است که من دورهٔ انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی را گذرانده‌ام، اما نمی‌دانم چگونه یک جملهٔ درست و قابل قبول انگلیسی بنویسم.

در نقل قول زیر، مدرس زبان شماره ۴ بر این باور است که سکوت بعضی از دانشجویان نشان‌دهندهٔ خجالتی بودن آن‌هاست. با این حال، مدرسان باید پیش‌قدم شوند و راه‌هایی برای تشویق دانشجویان برای شرکت در بحث‌های کلامی و غیرکلامی پیدا کنند:

بعضی از دانشجویان، نه همهٔ آن‌ها، احساس می‌کنند که به زبان انگلیسی چندان تسلط ندارند. آن‌ها می‌ترسند که دانشجویان دیگر فکر کنند که آن‌ها دارند خودنمایی می‌کنند. به نظر من آن‌ها صحبت کردن را ضعف خود می‌بینند.

۴-۱۱. مطالب درسی

مطالب شامل کتاب درسی، مطالب تولید داخلی، جزوه‌ها، مطالب کمک آموزشی، اسلایدها و

غیره هستند. دانشجوی فعلی شماره ۳۲ تأکید می‌کند که مطالب درسی باید جالب و جذاب باشند:

پیشنهاد می‌کنم متونی که برای خواندن انتخاب می‌شوند جذاب و جالب باشند. همچنین متن‌ها حاوی لغات مفید باشند.

دانشجویانی که با آن‌ها مصاحبه شد، اظهار داشتند که یکی از مسئولیت‌های اصلی و مهم مدرسان این است که کتاب‌های درسی مناسبی را برای آن‌ها انتخاب کنند. کتاب‌هایی که انتخاب می‌شوند باید مفید و مناسب سطح دانشجویان باشند، متون و فعالیت‌های جالب و متنوع داشته باشند، از لحاظ فرهنگی قابل قبول باشند، یادگیری مستقل را ترغیب کنند و براساس نیازها و اهداف دانشجویان طراحی شوند. از همه مهم‌تر این که مطالب باید مطابق با رشته تحصیلی آن‌ها باشند. در نقل قول زیر، دانشجوی فعلی شماره ۲۲ از کتاب درسی‌اش اعتراض می‌کند و می‌گوید:

ما داریم یک کتاب زبان عمومی برای درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی می‌خوانیم که در سال ۱۹۸۰ منتشر شده است. فعالیت‌ها و تمرین‌های آن قدیمی و کسل‌کننده است. مدرس ما بیش از ۱۵ سال است که از این کتاب استفاده می‌کند و هیچ وقت سعی نکرده که کتاب جدیدی را جایگزین آن کند.

به طور کلی، نتایج مصاحبه با دانشجویان بیانگر این است که برای اینکه دانشجویان ترغیب شوند، باید آن‌ها را با مطالب درسی متنوعی آشنا کرد. برای این منظور، مدرسان باید تفاوت دانشجویان را در نظر بگیرند و مطالب درسی مختلف را به شیوه‌های متفاوتی به آن‌ها ارائه دهند. از آنجایی که دانشجویان مختلفی در کلاس حضور دارند، به سختی می‌توان روش یا مطلبی را یافت که همه آن‌ها را راضی سازد. در نقل قول زیر، دانشجوی سابق شماره ۳ از عدم وجود تنوع در کتاب‌های درسی شکایت کرده و می‌گوید:

فعالیت‌ها و تمرین‌های کتاب ما متنوع نبودند. آن‌ها خسته‌کننده بودند و ما را ترغیب نمی‌کردند. غالباً یکنواخت و بدون تنوع بودند. اکثر اوقات متن‌ها آن قدر دشوار بودند که دیگر علاقه‌ای به پیگیری و خواندن آن‌ها نداشتیم. فکر می‌کنم استفاده از مطالب مختلف می‌تواند جالب باشد و از خستگی جلوگیری کند.

براساس مشاهدات کلاسی محقق متوجه شود که اکثر مدرسان دانشگاه تبریز در

کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی بیشتر متکی به کتاب‌های درسی بودند. در طول مصاحبه، مدرسان اظهار داشتند که ارائه مطالب اضافی مثل جزوات، دشوار و زمان‌بر است و نیاز به تخصص دارد. در این میان، بیشتر دانشجویان و مدرسانی که از آن‌ها مصاحبه به عمل آمد، از نبود پروژکتور برای نمایش اسلایدها در کلاسشان شکایت داشتند. در نقل‌قول زیر، مدرس زبان شماره ۹ اظهار می‌دارد:

تنها منبع آموزشی ما کتاب درسی است. من از جزوه و مطالب داخلی استفاده نمی‌کنم چون آماده‌سازی مطالب اضافی زمان‌بر است و کپی گرفتن از آن‌ها دشوار است. منظورم این است که منابع ما برای کپی گرفتن برای صدها دانشجو در هر هفته محدود است.

۱۱-۴-۱. واژگان

دانشجویانی که در مصاحبه شرکت کرده بودند ادعا کردند که کتاب‌های درسی آن‌ها حاوی لغات عمومی و ناآشنای زیادی است. در نتیجه تنها بعضی از دانشجویان تأیید کردند که لغات کتاب درسی آن‌ها از قبل برایشان آشنا بود، چون در مؤسسات خصوصی یا دبیرستان آن‌ها را خوانده بودند. در نتیجه، دانشجویانی که در مؤسسات خصوصی زبان شرکت می‌کنند، دامنه لغاتشان نسبت به دانشجویانی که در این آموزشگاه‌ها شرکت نمی‌کنند، بهتر است.

۱۱-۴-۲. دستور زبان

در طول مصاحبه، بعضی از دانشجویان و مدرسان ادعا کردند که سطح تمرینات کتاب درسی برای دانشجویان مناسب است. با وجود این، بیشتر دانشجویان اعتراض کردند که توضیحات کافی در مورد قواعد دستوری در کتابشان ارائه نشده است و باید خودشان از قواعد سردر می‌آوردند. آن‌ها همچنین خاطرنشان کردند که مدرستان نکات دستوری را به درستی برای آن‌ها توضیح نمی‌دهد. دانشجوی فعلی شماره ۳۶ اظهار می‌کند که اهداف برخی از نکات دستوری برایش مبهم است. او در بخش پایان‌باز پرسش‌نامه، این‌گونه بیان می‌کند:

واقعاً نمی‌دانم که نکات دستوری کتاب ما بر چه اساسی سازماندهی شده است. منظورم این است که هدف از دستور زبان چیست و چه چیزی می‌خواهد به ما بیاموزد. بعضی از دانشجویان و مدرسانی که در مصاحبه شرکت کردند، تأیید کردند که تمرینات

کتاب‌هایشان خارج از بافت و در سطح جمله هستند. مدرسان بر این عقیده بودند که تعامل در زندگی واقعی، در یک بافت آشنا و مشخصی صورت می‌گیرد. معنا در بافت و از طریق گفت‌وگو شکل می‌گیرد. با این حال، بیشتر کتاب‌های درسی که برای این دوره استفاده می‌شوند، کاربرد زبان را در دنیای واقعی نشان نمی‌دهند و در نتیجه کمکی به بهبود آن نمی‌کنند. نظر مدرس شماره ۴ در این باره این چنین است:

لازم است که دانشجویان فراتر از دستور زبان پیش بروند و از سیستم زبانی خود برای دریافت و تولید زبان استفاده کنند. البته، روش‌های ارتباط غیرکلامی مثل نمودارها، میله‌ها، نقشه‌ها، جدول‌ها و فرمول‌ها وجود دارند که نیازمند این هستند که دانشجویان بتوانند توصیف کنند، توضیح دهند و تعریف و تفسیر کنند. از این رو فکر می‌کنم دانشجویان ما برای انجام این کارها به دانش دستورزبان نیاز دارند.

۵-۱۱. آزمون

در طول مدت مصاحبه، بعضی از مدرسان خاطرنشان کردند که همیشه معیارهای ارزیابی را در آغاز ترم توضیح می‌دهند. با وجود این، بعضی از مدرسان می‌گفتند که معمولاً معیارهای ارزیابی را برای دانشجویان شرح نمی‌دهند. آن‌ها تأکید داشتند که وقتی می‌خواهند به دانشجویان نمره نهایی بدهند، عوامل زیادی را در نظر می‌گیرند. دانشجوی فعلی شماره ۳۳ در طول مصاحبه از آزمون پایانی خود ابراز نگرانی کرده است و بیان می‌کند:

آه ... من در مورد نمره امتحان نهایی انگلیسی‌ام اضطراب دارم. منظورم این است که سعی نمی‌کنم زبان را یاد بگیرم، فقط سعی می‌کنم مطالب ارائه شده را حفظ کنم تا نمره بالایی بگیرم.

۱۲. نتیجه

مدرسان زبان و وزارت آموزش و پرورش باید اهداف و نیازهای دانشجویان را در نظر بگیرند. دوره انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی باید بر مهارت‌های خواندن و نیازهای ارتباطی دانشجویان تمرکز کنند و زمینه را برای پرداختن به احتیاجات زبانی، اجتماعی، شناختی و کاربردی رشته دانشجویان فراهم سازد. باسترکمن (2014) بر این عقیده است که

علاوه بر تدریس، نقش مدرسان شامل تحلیل نیازها، تحلیل گفتمان، توسعه مطالب درسی و طراحی برنامه درسی است. تحلیل نیازها یکی از مهم‌ترین روش‌ها و ابزارهایی است که مدرسان از طریق آن می‌توانند بررسی‌های مختلفی انجام دهند. به این منظور، طراحان و برنامه‌ریزان درسی در وزارت آموزش و پرورش نقش مهمی را در موفقیت و عدم موفقیت این دوره ایفا می‌کنند. تصمیمات آن‌ها می‌تواند تأثیر شگفت‌انگیزی بر نتایج نهایی بگذارد.

طبق دیدگاه‌های دانشجویان و مدرسان، دوره‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی نمی‌توانند به اهداف موردنظرشان دست یابند. نتایج مصاحبه با مدرسان بیانگر این است که برخی از دانشجویان عموماً در کلاس حواسشان جمع است و نگرش مثبتی نسبت به این درس دارند. اما برخی دیگر به دلیل اینکه مجبورند ساعت‌ها در کلاس بنشینند و منفعلانه مطالب را دریافت کنند و تمرینات نوشتاری را انجام دهند، از این درس خوششان نمی‌آید. در دانشگاه‌های ایران، دوره‌های کوتاه انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی برای تحقق اهداف این دوره کافی نیستند و مدرسان به سختی می‌توانند آنچه را که می‌خواهند آموزش دهند و دانشجویان هم به سختی می‌توانند آنچه را می‌خواهند بیاموزند. با وجود این، مدرسان مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند یادگیری را مؤثرتر و جذاب‌تر کنند. روش‌ها، گرایش‌ها، ترجیحات و نحوه برخورد آن‌ها با دانشجویان می‌تواند تأثیر فوق‌العاده‌ای بر روند یادگیری داشته باشد.

فعالیت‌های کلاسی باید به گونه‌ای ارائه و تمرین شوند که همه دانشجویان بتوانند آن‌ها را بیاموزند و انجام دهند و در نهایت آن را به کار گیرند. برای فعال کردن تفکر انتقادی دانشجویان و داشتن دانشجویان خلاق، فعالیت‌ها و تمرین‌ها باید تفکربرانگیز بوده و طوری طراحی شوند که دانشجویان به جای اینکه مکانیک‌وار به آن‌ها پاسخ دهند، درگیر فرایند فکری شوند. مدرسان و دانشجویان باید تلاش کنند تا دانش خود را از طریق اشتراک‌گذاری، تعامل و مبادله معنا ایجاد کنند و برای درک عمیق‌تر عملکردهای زبانی، به تحلیل و ترکیب متون بپردازند.

در دهه‌های گذشته، خوداتکایی یا استقلال دانشجو به یک واژه رایج در رشته آموزش زبان انگلیسی تبدیل شده و در انگلیسی برای اهداف آموزشی به پویایی رسیده است. این واژه به توانایی دانشجویان در تسلط بر یادگیری خود اشاره دارد. از این رو، یکی از مزایای

اصلی دوره مهارت‌های مطالعه این است که به دانشجویان استقلال می‌بخشد. در کلاس‌های زبان عمومی باید به هر چهار مهارت به یک اندازه و به صورت یکسان پرداخته شود. نکته اینجاست که مهارت‌های زبانی را نمی‌توان تنها به یک مهارت محدود کرد. مهارت‌ها را نباید تفکیک کنیم چون ممکن است به فرایند یادگیری آسیب بزنند. در ضمن، تعامل مستلزم انتقال و دریافت هم‌زمان اطلاعات است. به‌علاوه، زبان نوشتاری و گفتاری چنان پیوند جدایی‌ناپذیری دارند که جدا کردن آن‌ها به یکپارچگی زبان آسیب می‌زند. هر مهارت، مهارت دیگر را تقویت می‌کند و یادگیری یک مهارت مستلزم تسلط بر مهارت دیگر است.

با اینکه چندین منابع زبان عمومی در بازار موجود است، به‌راحتی نمی‌توان آن‌ها را انتخاب کرد و در کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی به‌کار گرفت. دلیل آن، مسائل اجتماعی و فرهنگی و مغایرت محتوای بعضی از کتاب‌ها با آداب و رسوم و قوانین فرهنگی ایران است. به این منظور، مطالب آموزشی باید توسط گروهی از متخصصان که با فرهنگ ایران و قوانین و ضوابط آن آشنایی دارند، تهیه شوند. در حالت کلی، انگلیسی برای اهداف عمومی واژه‌ای کلی است که با موضوعات گسترده‌ای سروکار دارد. انتخاب، ترتیب و طبقه‌بندی مناسب مطالب بسیار دشوار است. با این حال، یک کتاب درسی خوب می‌تواند به‌منزله یک برنامه درسی منسجم عمل کند که مدرسان زمانی که وقت آزاد یا امکان تهیه مطالب خود را ندارند، بتوانند به آن اتکا کنند.

رشته‌های مختلف، ساختارهای کلامی، لغات و متون خاص خود را دارند که دانشجویان باید علاوه بر لغات عمومی، آن‌ها را نیز بیاموزند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دلیل اینکه بعضی از نکات دستوری و تمرین‌ها مطابق با نیازهای دانشجویان نیستند این است که در دانشگاه تیریز تا به حال فرایند تحلیل نیازها صورت نگرفته است. هر کدام از مدرسان کتاب متفاوتی را برای درس انگلیسی برای اهداف عمومی و تخصصی تدریس می‌کنند که حاوی متون، تمرین‌ها و فعالیت‌های مختلفی هستند. بدیهی است که گروه زبان انگلیسی باید تلاش کند تا برای هر ۱۲ دانشکده دانشگاه تیریز، طبق رشته، نیازها و سطح زبان دانشجویان، کتاب مناسب و مفیدی ارائه دهد.

مطمناً، دانشجویان برای اهداف تحصیلی و تخصصی بیشتر به زبان عمومی نیاز دارند. ازاین‌رو، بهتر است واحدهای انگلیسی برای اهداف عمومی، هر ترم برای دانشجویان ارائه

شود. زمانی که آن‌ها مهارت‌های زبانی نسبتاً کافی را کسب کنند، می‌توانند متون تخصصی‌شان را راحت‌تر فراگیرند. هرچند، به‌دلیل زمان محدود کلاس‌های انگلیسی برای اهداف عمومی در دانشگاه‌ها، مدرسان زبان انگلیسی برای اهداف تحصیلی می‌توانند دانشجویان را به مطالعه مستقل در بیرون از کلاس در اوقات فراغتشان ترغیب کنند. در این صورت، دانشجویان بهتر می‌توانند برای یادگیری خود تلاش کنند و تا حدودی خودکفا شوند. به‌نظر می‌رسد که مستقل کردن دانشجویان می‌تواند یک راه ممکن برای جبران اشکالات دوره‌های انگلیسی برای اهداف عمومی، تحصیلی و تخصصی باشد.

۱۳. پی‌نوشت‌ها

1. EAP (English for Academic Purposes)
2. ELT (English Language Teaching)
3. EOP (English for Occupational Purposes)
4. EFL (English as a Foreign Language)
5. Hyland
6. Hutchinson & Waters
7. CBI (Content-based Instruction)
8. ESP (English for Specific Purposes)
9. Anthony
10. ESL (English as a Second Language)
11. Common Core Theory
12. Basturkmen
13. Bloor & Bloor
14. Barbazette
15. Flowerdew & Peacock
16. Brinton et al.
17. Hyland & Shaw
18. Long
19. Richards
20. EGP AND ESP (English for General Purposes)
21. Needs Analysis
22. Brown

References

- Aghagolzadeh, F., & Davari, H. (2017). English education in Iran: From ambivalent policies to paradoxical practices. In R. Kirkpatrick (Ed.), *English language education policy in the Middle East and North Africa* (pp. 47-62). Cham: Springer.
- Anthony, L. (2015). The changing role and importance of ESP in Asia. *English as a Global Language Education (EaGLE) Journal*, 1, 01–21.
- Atai, M. R., & Nejadghanbar, H. (2017). Exploring Iranian ESP teachers' subject-related critical incidents. *Journal of English for Academic Purposes*, 29, 43-54.
- Atai, M. R., & Shoja, L. (2011). A triangulated study of academic language needs of Iranian students of computer engineering: Are the courses on track? *RELC Journal*, 42(3), 305–323.
- Barbazette, J. (2006). *Training needs assessment: Methods, tools and techniques*. San Francisco: Pfeiffer.
- Basturkmen, H. (2006). *Ideas and options in English for specific purposes*. New Jersey: Lawrence Earlbaum Associates.
- Basturkmen, H. L. (2014). LSP teacher education: Review of literature and suggestions for the research agenda. *Ib_eric*, 28, 17e34.
- Bloor, M & Bloor, T. (1986). *Language for specific purpose: Practice & theory*. CLCS Occasional Papers, 19.
- Brinton, D. M. & Holten, C. A. (2001). Does the emperor have no clothes? A re-examination of grammar in content-based instruction. In J. Flowerdew & M. Peacock (Eds.), *Research perspectives on English for academic purpose*. (239- 252). Cambridge: CUP.
- Brinton, D. M. & Holten, C. A. (2001). Does the emperor have no clothes? A re-examination of grammar in content-based instruction. In J. Flowerdew & M. Peacock

- (Eds.), *Research perspectives on English for academic purpose*. (239- 252). Cambridge: CUP.
- Brinton, D. M., Snow, M. A., Wesche, M. & Wesche, M. B. (2003). *Content-based second language instruction*. New York: Newbury House.
 - Brown, J. D. (1995). *The elements of language curriculum: A systematic approach to program development*. Boston, Mass.: Heinle & Heinle Publishers.
 - Du, J. (2019). Book Review [Unpublished manuscript]. *System*, doi: 10.1016/j.system.2019.02.002.
 - Farhadi, H. (2005). Reflections on and directions for ESP materials development in SAMT. *Proceedings of the First National ESP/EAP Conference*. 3(1), 2-32.
 - Flowerdew, J. & Peacock, M. (2001b). The EAP curriculum: Issues, methods, and challenges. In J. Flowerdew & M. Peacock (Eds.), *Research perspectives on English for academic purposes*. (177-194). Cambridge: CUP.
 - Hadley, G. (2015). *English for Academic Purposes in Neoliberal Universities: A Critical Grounded Theory*. Cham: Springer.
 - Huang, L. S. (2018). A call for critical dialogue: EAP assessment from the practitioner's perspective in Canada. *Journal of English for Academic Purposes*, 35, 70-84.
 - Hutchinson, T. & Waters, A. (1987). *English for specific purposes*. Cambridge: CUP.
 - Hyland, K. (2006). *English for academic purposes*. London: Routledge.
 - Hyland, K., & Shaw, P. (2016). Introduction. In K. Hyland, & P. Shaw (Eds.), *The Routledge Handbook of English for Academic Purposes* (pp. 1-13). New York: Routledge.
 - Long, M. H. (2001). Focus on form: A design feature in language teaching methodology. In C. N. Candlin & N. Mercer (Eds.). *English Language Teaching in its Social Context*, 180-190. London: Routledge.

- Malmir, A., & Bagheri, M. (2019). Instructors and learners' attitudes about English for science and technology: Learning and target needs of mechanical engineering students. *Iranian Journal of English for Academic Purposes*, 8(1), 13-34.
- Marcu, N., A. (2020). Designing functional ESP (English for Specific Purposes) courses. *Procedia Manufacturing*, 46, 308-312.
- Marcu, N., A. (2020). Designing functional ESP (English for Specific Purposes) courses. *Procedia Manufacturing*, 46, 308-312.
- Peacock, M. (2001). Language learning strategies and EAP proficiency: Teacher views, student views, and test results. In J. Flowerdew & M. Peacock (Eds.), *Research Perspectives on English for Academic Purposes*. (268-285). Cambridge: CUP.
- Richards, J. C. (2007). *Curriculum development in language teaching*. Eighth printing. New York: Longman.
- Wood, A. (2001). International scientific English: The language of research scientists around the world. In J. Flowerdew & M. Peacock (Eds.), *Research Perspectives on English for Academic Purposes*. (71-83). Cambridge: CUP.
- Zand-Moghadam, A., Meihami, H., & Giasvand, F. (2018). Exploring the English language needs of EAP students of Humanities and social sciences in Iran: A triangulated approach. *Issues in Language Teaching*, 7(1), 135-164.